

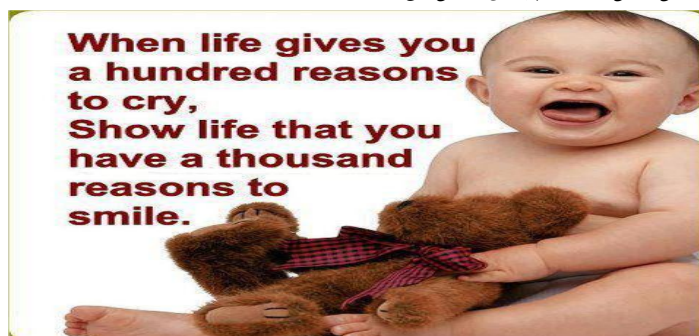


نقش حیاتی بازی در آموزش‌های دوران کودکی

بازی خلاق یکی از فعالیت‌های اصلی در زندگی کودکان سالم است. کودکان با انجام بازی خلاق به شکوفایی می‌رسند و بدون آن شدیداً افت می‌کنند. عده‌ای از کودکان، حسرت بازی کردن را دارند اما سیاست‌ها و عملکردها در خانه و مدرسه باعث حذف شدن بازی از زندگی آنان شده است. کودکان دیگر آزادی رفتن و کشف جنگل‌ها و مزارع را ندارند. توپ بازی‌های خودمانی با همسایه‌ها مربوط به گذشته است. کودکان، ساعت‌ها بدون حرکت در مقابل تلویزیون، بازی‌های ویدئویی و کامپیوتر می‌نشینند و داستان‌ها و تخیلات افراد دیگر را جذب می‌کنند که نتیجه آن نابودی آرام بازی‌های کودکان است. کودکان پیش دبستانی و کودکانی که در محیط‌های مدرسه می‌یابند و با آموزش‌های از پیش نوشته شده، یادگیری به کمک کامپیوتر، و ارزیابی‌های استاندارد، روبرو می‌شوند. آموزش‌های فیزیکی و تعطیلی حذف می‌شوند؛ و..... این رویکردها باعث تضعیف و کم اهمیت نمودن ظرفیت طبیعی بچه‌ها برای دروس معنادار و متمرکز زندگی از طریق بازی خلاق شده و بسیاری از کودکان را عمیقاً با تجربه‌های مدرسه بیگانه می‌سازند.

بازی خلاق همچون چشمه‌ای است که از اعماق وجود کودک می‌جوشد، باعث طراوت و سرزندگی می‌شود و بخش طبیعی سرشت هر کودک سالمی است. عشق کودک به یادگیری ارتباط عمیقی با شور و شوق وی به بازی دارد. کودکانی که بر روی مهارت‌های جسمانی جدید، ارتباطات اجتماعی یا مضمون شناختی کار می‌کنند، با روحیه‌ای شاد و سرحال با زندگی برخورد می‌کنند.

بزرگسالان متقاعد شده‌اند که کودکان باید «آموزش داده شوند». ارائه مثال در تمامی فعالیت‌ها و ایجاد فضاهای مناسب برای بازی و یادگیری کودکان ضرورت دارد. مراقبین باید کمک کرده و حتی گاهی موقع پیش آمدن اشتباه، دخالت نمایند. اما بیشتر باید ظرفیت درونی برای یادگیری را محترم بشمارند چرا که اقدام‌ها را به حرکت واداشته و روح هر کودک شاد و سالم را سرشار می‌سازد. علی یک ساله با خانواده‌اش به ویلای خانوادگی می‌رود. او از پله‌های زیادی که در این خانه وجود داشت بسیار خوشحال می‌شود زیرا خانه‌ی آن‌ها فقط یک پله داشت و او آرزوی پله‌های زیاد را داشت. حالا که آرزوی او برای بالا رفتن از پله برآورده شده بود، بارها و بارها از پله‌ها بالا و پایین رفت. ما به نوبت از او مواظبت می‌کردیم ولی نیازی به کمک ما نداشت. او چنان سرگرم اینکار بود که دوست نداشت از این کار باز بماند. وقتی از پله‌ها بالا می‌رفت تمام علائم یک کودک شاد و بازیگوش را داشت، با این حال مشخص بود که در حال کشف و یادگیری مهارت جدیدی است، مهارتی که برای رشد وی در دراز مدت، اهمیت زیادی داشت. از آن مهم‌تر این که خود این کار را تعیین کرده بود. هیچ‌کس به این کودک یک ساله نگفته بود که ساعت‌ها به بالا رفتن از پله‌ها بپردازد. او این کار را خود انجام داد درست مانند هر کودک سالمی که حس حرکتی مختل نشده باشد. «مثال دیگر: یک صبح دوشنبه سارا ۴ ساله به کودکان آمد و با غرور اعلام کرد که می‌تواند خود بند کفش را ببند. همه با شک و تردید نگاه کردند چرا که این کار خارج از مهارت کودکان چهارساله بود. سارا که مصمم به اجرای قابلیت جدید خود بود، فوراً روی زمین نشست و بند کفشانش را باز و دوباره گره پایونی زد و به چهره حیرت زده همه نگاه کرد و خندید. بعداً از مادرش پرسیدیم که سارا چطور چنین کاری را یاد گرفته است. مادرش خندید و توضیح داد که چگونه در آخر هفته سارا وانمود به رفتن به مهمانی تولد کرده بود. او تکه‌های کاغذ را به شکل بسته‌های کوچک مخصوص تولد در می‌آورد. آن‌گاه به سراغ سبد نخ‌های مادرش رفت و از تکه‌های نخ برای پایون زدن بدور بسته‌ها استفاده کرد. احتمالاً ۶۰ یا ۷۰ بسته در روزهای آخر هفته درست کرده بود تا اینکه به گره زدن مسلط شده بود. معلوم است که احساس آمادگی کرده و کار خود را با نیت بازی انجام داده بود. در عوض اگر کسی از سارا خواسته بود که قبل از اعلام آمادگی و علاقه، به یادگیری بستن بند کفشش بپردازد و بطور رسمی به او آموزش می‌داد، یادگیری به یک عمل کسل‌کننده و پرتنش تبدیل می‌شد.



نقش حیاتی بازی در آموزش‌های دوران کودکی

پیشرفت بازی:

راز کمک به بالندگی کودکان، فعال نگاه داشتن روحیه‌ی خلاقیت و یادگیری همراه بازی، است. یکی از ارکان مهم در این امر کار ما به عنوان بزرگسالان است زیرا کودکان طبیعتاً از بزرگسالان تقلید می‌کنند. این تقلید الهام بخش بازی آن‌هاست. یادگیری آن‌ها ترکیبی از اشتیاق درونی آن‌ها برای رشد و یادگیری همراه با تقلید از بزرگترها در محیط پیرامون است. این دو عنصر در سراسر دوران کودکی در هم تنیده شدند.

نقطه عطف در بازی - ظرفیت بازی تخیلی - یا بازی رؤیایی در سن دو سال و نیم یا سه سالگی به وقوع می‌پیوندد. قبل از آن، کودکان خود را با دنیای واقعی وفق می‌دهند: بدن خودشان، اشیاء ساده مانند قابلمه، ماهیتابه، و قاشق‌های چوبی و اسباب بازی‌های ساده، مانند عروسک، کامیون و توپ. کودکان نوپا از آنچه که در اطراف خود می‌بینند تقلید می‌کنند؛ موضوع‌های معمول برای بازی عبارتند از آشپزی، بچه‌داری، رانندگی ماشین یا کامیون، و اتفاقات روزمره دیگر.

بعد از سه سالگی، کودکان کمتر به اشیای واقعی تکیه دارند و آنچه نیاز دارند را از هرچه در دسترس است بوجود می‌آورند. توانایی آن‌ها برای ورود به تخیلات به آن‌ها اجازه می‌دهد تا هر شیء ساده‌ای را به یک وسیله کمک بازی تبدیل کنند. یک کاسه به کشتی، یک چوب به چوب ماهیگیری و یک سنگ به یک بچه تبدیل می‌شود و بسیاری دیگر. کودکان سه ساله آنقدر در بازی‌های تخیلی غرق می‌شود که گویی اشیاء همچنان در حالت تغییر یافته باقی می‌مانند. هیچ بخشی از بازی هرگز تمام نمی‌شود بلکه همیشه به فرایند دیگری تبدیل می‌شود. کودک بازیگوش سه ساله غالباً یک سری اشیاء را پشت سر خود به جا می‌گذارد و موضوع بازی از یکی به دیگری تبدیل می‌شود.

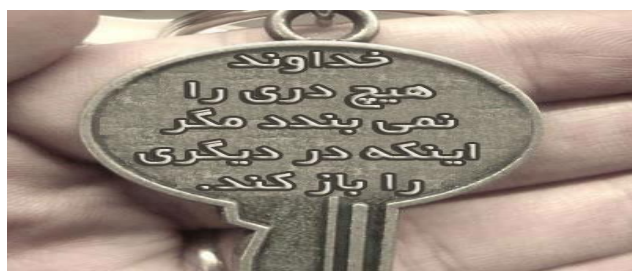
کودکان چهارساله برخلاف آن‌ها در بازی خود ساکن و وابسته به موضوع عمل می‌کنند. آن‌ها دوست دارند خانه‌ای برای بازی داشته باشند که می‌تواند کشتی، یا فروشگاه هم باشد، گاهی خانه خود را چنان انباشته از اشیاء مختلف می‌کنند که نمی‌توانند به راحتی در آن حرکت کنند. اما این موضوع آن‌ها را اصلاً ناراحت نمی‌کند. آن‌ها در ایده‌های خود برای بازی کاملاً خودجوش هستند.

ویژگی بازی‌های تخیلی کودکان پنج ساله، توانایی آن‌ها برای ایده پروری و سپس پیاده کردن آن در بازی است. یک جنبه مهم‌تر دیگری در ارتباط با بازی تخیلی وجود دارد که معمولاً تا سن شش سالگی به وقوع نمی‌پیوندد. در این سن آن‌ها ممکن است خانه یا قصری بسازند بی آنکه وسیله‌ای در آن بگذارند، آن وقت داخل آن بنشینند و در طول بازی خود صحبت نمایند چرا که حالا آن‌ها قادرند تصورات خود را با چشم ذهنشان ببینند. از این مرحله به عنوان بازی خلاق و تخیلی یاد می‌شود زیرا اکنون کودکان توانایی آن را دارند که تصور صریح و روشنی داشته باشند. در این زمان است که کودک جملاتی از این قبیل به زبان می‌آورد که «من هر وقت بخوام مادر بزرگ را می‌بینم. فقط کافیست چشمانم را ببندم.» یا ممکن است با کمک اسباب بازی‌های یک صحنه بازی را برپا نماید اما چشمانش را ببندد و آن را در ذهن خود اجرا کند.

روش حضور کودکان در بازی اجتماعی با دیگران با گذشت زمان تغییر می‌کند. کودک یک ساله به تنهایی بازی می‌کند در حالیکه بازی اجتماعی کودکان دوساله، بازی موازی (هم‌تراز) نامیده می‌شود زیرا این کودکان در کنار یکدیگر اما بدون تعامل کامل با یکدیگر بازی می‌کنند. بازی کودکان سه و چهار ساله را بازی میان همبازیان می‌شناسیم. کودکان از بازی با یکدیگر لذت می‌برند، اما معمولاً زیاد بر روی هم حساب باز نمی‌کنند. آن‌ها از بازی با یکدیگر در مهدکودک لذت می‌برند اما هنگام جدا شدن، همدیگر را به فراموشی می‌سپارند. تنها استثناء در این مورد در میان کودکانی پیش می‌آید که خانواده‌هایشان با هم دوست بوده یا با یک اتومبیل به مسافرت می‌روند. در این موقعیت‌ها، زندگی، کودکان را خارج از زمان بازی در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و همبازی‌ها درست مانند اعضای خانواده هستند که نقش مهم و جاودانه‌ای در زندگی کودک ایفا می‌کنند.

بازی اجتماعی کودکان پنج و شش ساله با یکدیگر متفاوت است. درهای ارتباط‌های اجتماعی عمیق‌تر برای آن‌ها باز می‌شوند. آن‌ها دوستی برقرار می‌کنند و درباره‌ی دوستان خود در خانه صحبت می‌کنند. وقتی از دوستان خود جدا هستند به آن‌ها می‌اندیشند. ممکن است بخواهند که با دوستان خود تلفنی صحبت کنند یا آن‌ها را در خانه‌شان ببینند.

مادران به ادامه‌ی این تقویم اجتماعی می‌خندند زیرا کودک شش ساله‌ی آن‌ها ناگهان علاقه خاصی به گذراندن ساعت‌های زیاد با دوستان خود در خارج از مدرسه نشان می‌دهند. این مرحله می‌تواند پیش زمینه نوجوانی باشد و گاهی «اول نوجوانی» نامیده می‌شود. بازی نمایشی اجتماعی این گروه سنی غنی و متنوع است.



فوآئد اجتماعي، احساسی، و فکری بازی

بازی نمایشی دارای چهار ویژگی است: کودک نقشی تخیلی بعهده می‌گیرد؛ کودک از تخیل برای تغییر اشیاء به وسایل مورد نیاز در بازی کمک می‌گیرد؛ گاهی توضیحات کلامی یا فریادهایی به جای عمل کردن یا موقعیت‌های خاص، بیان می‌دارد؛ و صحنه‌های بازی حداقل ده دقیقه به طول می‌انجامد. در بازی اجتماعی - نمایشی این چهار رکن به علاوه‌ی دو مورد دیگر وجود دارند: حداقل دو بازیکن در صحنه‌ی بازی حضور دارند، و ارتباط کلامی نامحدودی در بازی بکار می‌آید.

فوآئد اجتماعي، احساسی، و فکری بازی عبارتنداز:

- پیشرفت‌ها (فوآئد) در فعالیت‌های شناختی - خلاقانه
- قدرت کلامی بهتر
- واژگان غنی‌تر
- درک بالاتر از زبان
- سطح بالاتر زبان
- راهبردهای بهتر در حال مسائل
- بیشتر شدن حس کنجکاوی
- توانایی بالاتر برای دریافتن نگرش دیگران
- قابلیت عقلانی (فکری) بالاتر
- همکاری‌های بهتر با همقطاران
- کم شدن پرخاشگری
- فعالیت‌های گروهی بیشتر
- فوآئد فعالیت‌های اجتماعي احساسی
- بازی بیشتر با همقطاران
- توانایی دریافتن نگرش دیگران
- همدلی بیشتر
- کنترل بیشتر بر اقدامات نسنجیده
- پیش بینی بهتر سلايق و خواست‌های دیگران
- سازگاری بیشتر احساسی و اجتماعي
- ابداع و ابتکار بیشتر
- خلاقیت بیشتر
- افزایش دامنه و دقت و توجه
- افزایش توانایی دقت و توجه
- انجام بیشتر کارهای محافظه کارانه

جایی نمانید که مجبور باشید شما را تحمل کنند،
جایی بروید که بودتتان را جشن بگیرند!



فواید اجتماعی، احساسی، و فکری بازی

بازی اجتماعی نمایشی، منابعی را فعال می‌سازد که به تشویق رشد احساسی، اجتماعی و فکری در کودک پرداخته و به نوبه‌ی خود موفقیت کودک در دبستان را رقم می‌زند. شباهت‌های بسیاری میان الگوهای رفتاری که باعث تجارب موفقیت‌آمیز بازی اجتماعی نمایشی می‌شود و الگوهای رفتاری مورد نیاز برای الحاق موفقیت‌آمیز در موقعیت مدرسه، وجود دارد. مثلاً، حل مشکل در اکثر موضوعات مدارس مستلزم تخیلات بسیاری است: تجسم نحوه زندگی اسکیموها، خواندن داستان‌ها، تصور یک داستان و نوشتن آن، حل مسائل ریاضی، و تاریخ، جغرافی و ادبیات همگی خیال‌پردازی است. همه این‌ها ساختارهای ذهنی هستند که هرگز توسط کودک تجربه نمی‌شوند. تجسم به عنوان واسطه‌ای برای یادگیری در سال‌های دبستان آنقدر اهمیت دارد که تخیل برای کودک پیش دبستانی اهمیت دارد. اگر به کودک اجازه داده شود که در بازی تخیلی سال‌های مهدکودک شرکت کند و تجسم درونی (فطری) خود را قبل از ورود به کلاس اول پرورش دهد، آن‌گاه مستعد و آماده‌ی یادگیری است.

کودکانی که در مهدکودک فعالانه در بازی‌ها شرکت می‌کنند، در دبستان هم یادگیری فعالانه‌ای دارند. کودکان مهدکودک‌های بازی محور در زمینه پیشرفت جسمی، احساسی، اجتماعی و ذهنی بر گروه آموزش محوربرتری داشته‌اند. برنامه‌های پیش دبستانی که فعالیت‌های بازی را ارتقاء می‌دهند، نقش مؤثری در پیشرفت حس مسئولیت فردی و اجتماعی در افراد دارند. با تست‌های استاندارد که در برخی نواحی برای کودکان پنج ساله به کار می‌رود، یک جو اضطراب و فشار به داخل مهد کودک راه می‌یابد. کودکان ماشین نیستند. به سادگی نمی‌توان سوخت آن‌ها را بیشتر و سرعتشان را افزایش داد. آن‌ها تحت کنترل فرایندهای درونی هستند که گاهی قوانین رشد کودک نامیده می‌شوند. ما نمی‌توانیم این برنامه‌های (جدول زمانی) طبیعی مربوط به رشد کودک را نادیده بگیریم بدون اینکه آسیب‌های جدی به آنان وارد نماییم. این آسیب‌ها بخش‌های زیادی از زندگی آن‌ها یعنی جسمی، احساسی، اجتماعی و ذهنی را در بر خواهد گرفت. کلید توسعه و بهبود خواندن و نوشتن - و کلیه مهارت‌های دیگر - تعیین سرعت یادگیری است طوری که با رشد کودک هماهنگ باشد و او را قادر به موفقیت در مراحل اولیه سازد.

این موفقیت اولیه و عشق طبیعی کودک در زمان مناسب، یادگیری را حتمی می‌نماید. اگر در ابتدای کار با خواسته‌های نابجا او را محکوم به شکست کنید، او دیگر قادر به غلبه بر ضعف و نقص خود نخواهد شد. این احساس در کودکانی که خانواده‌هایشان تحت فشار اجتماعی و اقتصادی قرار دارند نیز بوجود می‌آید. بسیاری از والدین از روی ناآگاهی ترجیح می‌دهند که کودکان آن‌ها بر تحصیل علم تکیه نمایند. اگر قرار باشد نصیحتی در ارتباط با بازی و آموزش‌های زود هنگام به والدین بنماییم اینست که آرام باشند و هیچ عجله‌ای برای کودکانشان به خرج ندهند. کودکان از چنان منابع عمیقی برای رشد و یادگیری برخوردارند که با تربیت خوب و کمک معقول، اکثراً به موفقیت‌های چشمگیری خواهند رسید. بازی برای کودک فرصت گرانها و امکانی برای شناخت محیط اطراف است. توجه داشته باشید زمانی که کودک به تجربه و تمرین می‌پردازد در صورت مواجهه با سرزنش و خشم ناکافی، آثار نامطلوبی در او بر جای خواهد ماند

اصولی که در بازی کودکان باید رعایت شود عبارتند از:

- ✚ به کودک حق انتخاب نوع بازی داده شود
- ✚ فضای کافی برای بازی مورد علاقه کودک فراهم شود زیرا در صورت نبود فضای مورد نظر حالات روانی آثار نامطلوبی بر کودک بر جای می‌گذارد
- ✚ اشیا و اسباب بازیهای متنوعی در دسترس کودک قرار گیرد تا او به راحتی به وسیله مورد علاقه خود دست یابد
- ✚ نوع بازیهای ارائه شده خوشایند کودک باشد در غیر این صورت کودک از بازی کناره می‌گیرد
- ✚ در جریان بازی کودک آزادی عمل داشته باشد در صورت تحکم بزرگسالان بازی برای کودک فشار و ناراحتی همراه خواهد داشت
- ✚ سعی کنیم آن نوع از بازی را برای اطفال انتخاب کنیم که در آن قصد اصلاحی و یا دادن هشدار باشد و بازی نیروی قدرت تفکر و مهارتهای اجتماعی کودک را افزایش دهد
- ✚ در هر بازی سعی شود اصول و قوانینی حساب شده به کودک آموخته شود که به عنوان ضوابط و اصول زندگی به حساب آیند
- ✚ بازی باید حالت طبیعی داشته باشد نه تصنعی زیرا در آن صورت کودک آن را برای خود دشوار و سنگین خواهد دانست
- ✚ نوع اسباب و وسایل بازی متناسب با شرایط سنی کودک و متناسب با شرایط فرهنگی و موقعیت اجتماعی و محیطی که کودک در آن زندگی می‌کند ، انتخاب شود.



.....و